

گودتا...

بقیه از صفحه ۱
تضادهای موجود از دوره و به سرواوضاع سیاسی تاندر منکدارند. براساس تحلیل این سلسله معادلهای موجود در جامعه بود که ما تحلیل خود را از سمت و سوی حرکت و جهت پنا پذیر جامعه، در پیکار ۵۴ و ۵۵ را شده دادیم و از جهت پنا پذیر بودن "جنگ داخلی" را مطرح ساختیم. طرح کودتای ارتجاعی غیر حلقه دیگری ارشده تضادهای فوق را ظاهر ساخته و خود سر شدت گیری بحران اجتماعی و سیاسی موجود افزود.

ما هیئت کودتای "ارتجاعی" هفته پیش چیست، امپریالیسم آمریکا و عمال جنا پیکار که چه هدفی را از انجام آن به پیش میبردند، نقش و موقعیت جناحهای هیئت حاکمه کدام است و تحت شرایط موجود سیاسی ارتکاب کودتای ارتجاعی در بهره گیری از آن وضع و بنفع خویش و در تضعیف جناح مقابل چه برنامه ها داشته دارند؟

سیاست هیئت حاکمه در سرکوب انقلاب و دفاع از سرمایه داری وابسته، مورد تأیید امپریالیسم است. همه جناحهای هیئت حاکمه و امپریالیسم حسا پیکار آمریکا (هر چند از مواضع متفاوت) سرکوبگر جنبش انقلابی بوده ها و مدافع سرمایه سرمایه داری وابسته هستند. حاکماتی که رژیم جمهوری اسلامی به مثابه مدافع نظام حاکم جامعه، در طول ۱۶ ماه گذشته در قدرت با تدوام انقلاب و پیشرفت جنبش رو به رشد توده ها و سرکوب آنها انجام داده است، این مسئله را باز با و بارها به توده ها ثابت کرده است. خون پاک که از تن جدا شده با پیکار جوی دلاور خلق در کردستان، ترکمن صحرا، در هاشنگا و... به پهلانها، در میدان تیرو... بدست هیئت حاکمه و ارگانهای سرکوبگرش بر زمین ریخته شده است، پهلان این واقعه است که توده های انقلابی سروردوران شوم خود را نسبت به رژیم حاکم پشت سر گذاشته و بسا انقلابی شدن انقلابی هر روز بیشتر این رژیم را تحت فشار جنبش توفنده خود قرار میدهند. مبارزه توده ها علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته جز از مجرای مبارزه با حکومتی که در جلوی آنان قدیرا فضا شده است و بسیر حمانه تمام دستاوردهای تمام بهمین ماه از برپا میگردد، ممکن نیست. هیئت حاکمه بطریق سرکوب و نظام موجود دفاع می کند و این لحاظ از سیاست آن مورد تأیید امپریالیسم است و بی آن بکه هدف مشترک را دنبال میکنند.

تضاد و جناح هیئت حاکمه و جنبش انقلابی توده ها
تشبیه حکومت است. مادر باره تضاد و وحدت دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه بر مسائل مختلف قبلا بارها صحبت کرده ایم. این تضاد که خود معلول جنبش رشد یافته توده هاست، هر روز خادتر میشود. جناح سیاسی صدر ولیرا الهی که متکی به ارتش، دستگاه های دولتی کیه و... هستند، امروز در مقابل جناح حزب جمهوری اسلامی که متکی به کمیته ها، پاسداران، دادگاه های انقلاب و... میباشند آشکارا جنگ و دندان نشان میدهند و علیرغم وحدت کوتاه مدتشان (مانند وحدت کوتاه مدت سعداز "میتای وحدت" در "شورای انقلاب") تضاد هایشان همواره بروز میکند. این تضاد درونی هیئت حاکمه خود باعث شده که بین دو جناح حاکم یکدیگر را فضا و تضعیف کنند. محدودیتهای هوشیاری توده ها نسبت به حریکات سیاسی و سبب حوادث پشت پرده شده و سرحدت تضاد توده ها با هیئت حاکمه مبالغه آلود وجود این تضاد در درون هیئت حاکمه اکنون خود یکی از عوامل ناپایداری سیستم حکومتی و عدم تشبیه آن است. گرچه هر دو جناح خواهان آنند که حکومت را هر چه زود تر به سرکوب جنبش توده ها، بنفع جناح خود تشبیه کنند. لیکن وجود این تضاد و نیز اساسا اعتلای جنبش انقلابی نشان میدهد که آنها نتوان از سرکوب انقلابند. آنها هر چه بیشتر سرکوب میکنند، توده ها بیشتر به مبارزه بر میخیزند و جنبش توده ای دامنه و شدت بیشتری مییابد و باز دوباره تضاد درونی

هیئت حاکمه خادتر میشود. ادامه این حرکت بمعنی ادامه کسب حکی و ناپایداری و ضعف کسبی است، ولی ارتجاعی که سبب حکومتی بخشی از توده های ناگوار است. در این مورد همواره با تشدید تضادها و تدوام بحران انقلابی نتیجه احتساب ناپایداری تحولات عناصر رتخت داخلی که مادر گشته از آن سخن گفته ایم: آنت الله خمینی به مثابه مدافع کل هیئت حاکمه از هر دو جناح پشتیبانی و حمایت میکند. چه به حزب جمهوری اسلامی نزدیکتر است.

امپریالیسم آمریکا خواهان یک قدرت دترمکرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. تجربه ۱۶ ماه گذشته نشان داد که امپریالیسم آمریکا برای تشبیه نظام موجود، یعنی سیستم سرمایه داری وابسته نیازمند خواهان نشاندن قدرت سیاسی بورژوازی است. همین تجربه نشان داد که قدرت خرد بورژوازی مرفه سنتی، علیرغم اشتراک منافعش در کل نظام سیاسی کسبی و سیر دفاعی او رکن نظام اقتصادی - اجتماعی موجود، فاقد آن تطبیق ارگانیک با زیربنای این نظام است، و در امر بازسازی سیستم پیوسته اخلاقی و آتاریشی ایجاد نمیکند. و از این لحاظ ما امپریالیسم آمریکا دارای تضاد مشخص است. بهمین جهت در طی این دوران سیاست عمومی امپریالیسم آمریکا همان است از جناح بورژوازی "لسرال" در قدرت حاکمه و تضعیف جناح خرد بورژوازی آن بهر طریق ممکن بوده است. چرا که "لیبرالها" تطابق قابلیت و توان بهمین بهترین در اجرای سیاست بازسازی سیستم و تشبیه قدرت سیاسی متناسب با آن را دارند. لیکن همین تجربه نشان داد که جدت بحران انقلابی رو به رشد و اعتلای جنبش و نیز از هم گسختگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی - سیاسی حاکمه، آنچنان شرایطی را فراهم کرده است که حتی جناح بورژوازی "لسرال" نیز با سیاستی که تا کنون در پیش گرفته است، نتوان از تشبیه اوضاع توده است. قابلیت و "فراست" بورژوازی "لیبرال" در متن شرایط موجود نیز تا کنون نتوانسته است، تا تشریح تعیین کننده در شرایط مشخص به قدرت سیاسی حاکم، دست پیدا کند. همین بن بستها و اوضاع پیچیده و گسسته شده است که امپریالیسم آمریکا را به سمت اتخاذ روشی از قبیل همین کودتای اخیر سوق میدهد که پیش بینی شکست آن از همان ابتدا نیز از مسر دشواری نمیتوانست باشد. امپریالیسم آمریکا با یوس از توان بورژوازی "لیبرال" در تنظیم بخشیدن بقصد قدرت حاکم و تشبیه اوضاع و دل چرکین از آنرا تشریح کرده بورژوازی مرفه سنتی برای مقابله با پیشرفت انقلاب و تعیین منافع ارتجاعی و غارتگرانه آن تا جایی که به چین ناکتک - هائی در پیشبرد سیاست ارتجاعی آن پناه برده است.

طرح توطئه حاکمه که توسط عده ای افریاندان ارتش در همه پیش حشری از اساست عمومی حساب شده است. کار راه و دخلفی امپریالیسم آمریکا در ایران است. همان فرمادهای که توسط همین رژیم اصطلاح صد امپریالیست از ما هائی و لیبیسی از قیام، در اسراگان - های سرکوب ارتش، شهرانی و... رنگارنگی رده شدند و به سرکوب خلق برده خند. (نظیر شهید مهدیون، ایس - صرفا سدومزدور امپریالیسم و سپهد محقق و وسطا یر آنها که برخی از آنها حتی تا آخرین لحظات عمر شکنج رژیم ما هگا زکشتار خلق مشغول بودند) کمیته های انقلابی نخستین کسانی بودند که از نخستین روزهای سعد از قیام ما هیئت ضد خلقی ارتش و ما هیئت تهیه کارانه همین فرماندهان مزدور را برای توده ها افشا کردند و متقا بلا هرمان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی از آن زمان تا کنون از اینان و امثالشان دفاع و حمایت همه جانبه کرده می کنند و نه فقط دفاع کردند و میکنند بلکه آنان را در اسارتش نیز قرار داده اند از جمله میدانیسم که سپهد مهدیون فرمانده انتصابی جنسالیب بازگان برای نیروی هوایی بود!

این طرح حاکمه کودتا میان این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا با آگاهی همتا توانی بورژوازی "لسرال" در تشبیه اوضاع، به چین شیوه ها و تاکتیکها - شی روی آورده است تا تا توصل به آن حتی الامکان برای غلبه بر بحران سیاسی - اقتصادی - اجتماعی موجود مدافع ضد خلقی و غارتگرانه خود قدرت متمرکز و سرکوبگری را روی کار آورده که نظام سیاسی موجود را برپا به سرکوب و کشتار خلق، نبسات بخشد. اما یک حساب سرا بگشتی نشان میدهد که مبر - با لیبسم که چقدر کوروسی "منطق" عمل میکند. وضعیست موجود بهیچوجه و حداقل در مقطع کنونی، چنین شرایطی را برای بشنوسیدن این طرح حاکمه و ارتجاعی از جانب امپریالیسم، فرا هم نمیشد از دینا برای در ک شکست این توطئه از قبل توصلت شرایط موجود کار چندان دشواری نمیتوانست باشد.

در شرایط وجود اعتلای انقلابی هیچ حکومتی که مستقیما و آشکارا دست نشاند امپریالیسم آمریکا باشد قادر نیست بسا دشمنی بر مسند قدرت بنشیند و حاکمیت ضد خلقی خود را تسلیم کند. اما این امر بنا بد معنای فرا موش کردن این واقعیت باشد که ولاد امپریالیسم در آینه دست به چین برنا مه های ارتجاعی نخواهد زد و نتواند؛ امپریالیسم آمریکا بهر حال میگوید تا با سوار شدن بر موج نا رضایتی توده ها و با بهره گیری از خلائی از تسودیک قطب انقلابی نیرومند و متشکل در جنبه خلق، با اشکال به قضا ر مرفه و سوء استفاده از تمایلات اقشار رهی تضادت جامعه در وضعیت کنونی، زمینه استقرار نظام ارتجاعی مورد نظر خود را فراهم سازد.

ساری دوران کنونی در کشور ما از دیدگاه و سیاست امپریالیسم آمریکا عناصر رتخت از دور متمرکز هر چه بیشتر ضد انقلاب در ایران برای مقابله با جنبش خلق و اوضاع نا بسامان کنونی.

ولی این طرح به کجا انجام میدوی آمد های آن چیست؟ همه جناحهای حاکمه برای "قدا امپریالیست" نشان دادن خود کوشش میکنند تا با بهره گیری از اقدام ارتجاعی و شکست خورده امپریالیسم آمریکا توهم توده ها را دامن زده و برای حفظ قدرت سیاسی و منافع طبقاتی خود، توده ها را دستخوش توهم نموده و سیستم را برپا به تمایلات خود باز می کنند.

کشف توطئه در مقیاس وسیعتری تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید کرده است. حزب جمهوری اسلامی، جناح "لسرال"ها را بسبب زجر حلات خود گرفته است و با دامن زدن به این امر که توطئه و طرح کودتای ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و مزدوران اش با سار علیه انقلاب و جنبش توده ای نبوده بلکه بر علیه "انقلاب اسلامی" و مدافعین "مکتبی" آن (جناح حزب جمهوری اسلامی) بوده است. صحت همین شرایط جناح حزب جمهوری اسلامی در قدرت سیاسی نا بهره گیری از شرایط حاضر دست به تعرض بر علیه جناح بنی صدر زده است (حمله حزب جمهوری اسلامی بطور مشخص به جنبه ملی و بطور تلویحی به بنی صدر) از کودتای ارتجاعی اخیر. حزب جمهوری اسلامی از این موقعیت برای تقویت جناح خود و تضعیف جناح لیبرالها استفاده میکند (عوض کردن تعدادی از فرماندهان ارتش در خوزستان و گماردن پاسداران توسط غرضی که با اعتراض بنی صدر رو برود مطرح شدن مسئله تقویت پاسداران و کمیته ها و آموزش به آنها، دستگیری با قری محیسوب بنی صدر توسط ایادی حزب و...) لیبرالها و کلا بورژوازی و متا بندگان آن در دولت و ارتش و... نیز از سوی دیگر زحمت زده و با موضعی دفاعی برای بر طرف بقیه در صفحه ۱۵

پیکار

جنبش کارگری



تحصن کارگران مبارز سا برای آزادی نمایندگان خود

بعلمت درگیری بین عده ای از کارگران و نماینده
- کارخان با کارفرما ، ۶ نفر از کارگران و نماینده
کارگران این کارخانه دستگیر و به زندان اوین برده
شدند ، یکی از دستگیرشدگان " احمد کریمی حصاری "
نماینده مبارز کارگران است ، این کارگر مبارز در
زمان رژیم شاهن بخاطر دلیل نقض فاعلش در مبارزات
کارگری به زندان افتاده ، این مبارزین به مقاومت
دو برابر کارفرما ، توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر
شده است ، کارگران مبارز سا برای آزادی کارگران
زندانی و برگرداندن آنها به کارخانه دست به تحصن
زندگانه در نتیجه ۵ نفر از زندانیان آزاد و فقط
احمد کریمی حصارک در زندان باقی است .

تفتیش و بازرسی بدنی در قرقه زیا

از چند وقت پیش تفتیش بدنی و بازرسی تمام
کارگران در کارخانه قرقه زیا شروع شده است . دو
پاسدار مسلح جلودر کشیک می دهند و دفتر نگهبان
دیگر ، تمام مجبها و زیربلاها و جوار با کارگران را
میگردند تا مبادا کسی اعلامیه بداخل کارخانه ببرد .
کارگری در این مورد گفت : هر موقع که شوراچی و
کمیته چی ، با دستگلی به آب میدهند ، زترس اینکسه
دستان بوسیله اعلامیه رو نشود ، همه را بازرسی میکنند .
آری رژیم های ارتجاعی از آگاهی کارگران و
زحمتکشان همیشه هراسناک بوده و هستند ، لذا برای جلو
گیری از آگاهی کارگران ، تفتیش و بازرسی بدنی
انجام می دهند تا مبادا اعلامیه های افشاگرانه
باعث آگاهی کارگران گردد .

اعتصاب کارگران مبارز قطار عادی تهران - خرمشهر

روز ۷/۴/۵۹ قطار عادی تهران - خرمشهر بخاطر
عدم وجود مکانات رفاهی دست به اعتصاب زدند .
برای شکستن این اعتصاب از طرف مرکز ، از ایستگاه
های قم و اراک تعدادی کارگر خواسته شد اما هیچکدام
از کارگران دوا ایستگاه فوق حاضر به کار و شکر نشدند .
اعتصاب کارگران قطار تهران - خرمشهر نشدند . در
نتیجه کارمندان قطار مذکور برای اعتصاب شکنی
بموض کارگران شروع بکار کردند . خواستهای کارگران
اعتصابی عبارت از اضافه شدن کیلومتر از حق مسکن ،
نهار و خوری ، دادن سرویس اوتهران و ... بود ، تا بحال
از نتیجه اعتصاب این کارگران مبارز خبری نرسیده است

جاودان باد خاطره شهدای کارگر مبارز نفت جنوب

کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت خود را از
امپریالیسم انگلیس و عمال جیره خوار داخلیش با
اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان
بی سابقه بود ، وسراسر تأسیسات نفت جنوب را در
برگیری گرفت ابراز داشتند .
در تاریخ مبارزات طبقه کارگران ایران روزهای
خونین بسیاری ثبت است ، اما برخی از این روزها
به لحاظ سطح مبارزه ای که در آن جریان یافت از
اهمیت بیشتری برخوردار است که از جمله میتوان به
دوروز ۲۳ تیرا اشاره کرد ، ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و ۲۴ تیر ۱۳۲۵ .
در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ کارگران مبارز نفت جنوب سا
دیگر نقض با رز خود را در مبارزات کارگری ایران به
نمایش گذاشتند .

بدنبال سقوط دیکتاتوری ساهی و فاشی و آزادی
نسبی ای که برای توده ها بدست آمده بود ، سطح آگاهی
کارگران و زحمتکشان نسبت به گذشته رشد قابل ملاحظه
- ای کرده و آنها بیش از پیش نسبت به حقوق خوبیش
آشنا میشدند . در این میان کارگران مبارز صنعت
نفت که از نزدیک شاهد استعمار و وحشیانه و سلطه جوئی
امپریالیسم انگلستان از طریق کمپانی نفت بودند
با همبستگی و ایجاد تشکیلات کارگری مبارزات خود
را علیه دولت دست نشانده قوام السلطنه و امپریالیسم
انگلستان شد بخشدند .

در اردیبهشت سال ۱۳۲۵ نزدیک ده هزار
نفر از کارگران و کارکنان صنعت نفت آغا جاری سا
خواستهای صنفی دست به اعتصاب زدند ، اعتصاب این
کارگران پس از ۱۵ روز (۲۹ اردیبهشت) و بدنبال
قول کتبی هیئت اعزامی شرکت نفت مبنی بر پاسخ -
گویی به خواستهای آنان پایان پذیرفت .
از جمله خواستهای این کارگران پرداخت حقوق
روزهای جمعه بود که شرکت نفت انگلیس شرط قبول آن
را تصویب قانون کار اعلام کرد ، که در ۲۸ اردیبهشت
ماه سال ۱۳۲۵ لایحه آن از طرف هیئت دولت بصورت
تصویب نامه ای صادر گردید .

انفکاز فرمایان انگلیسی در عمل از اجرای این
قانون (ماده ۶ قانون کار) که در ۲۸ اردیبهشت ماه
بدنبال اعتصاب به پروزمند کارگران آغا جاری تصویب
شده بود و بر اساس آن کارفرمایان می باید حقوق
روزهای تعطیل را به کارگران پرداخت میکردند ، سر
با زدند . در این رابطه و به نشانه اعتراض به عدم اجرای
ماده ۶ کلیه کارگران و کارکنان صنعت نفت از صبح
پانزدهم تیرماه در سراسر مناطق نفتخیز خوزستان از
جمله آغا جاری ، مسجد سلیمان ، اهواز ، آبادان ، کچساران

بندرمشهور و ... دست به اعتصاب زدند .
شرکت نفت برای اجرای ماده مذکور بیازده روز مهلت
خواست ، ما پس از انقضای این مهلت همچنان از امر
ماده فوق خودداری نمود .

سرتاجا کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت
خود را از امپریالیسم انگلیس و عمال جیره خوار داخلیش
با اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان
بی سابقه بود و سراسر تأسیسات نفت جنوب را در برگیری
ابراز داشتند .

برخی از خواستهای آنها عبارت بود از :
۱- قطع نفوذ شرکت انگلیس در امور سیاسی
و داخلی ایران

- ۲- برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان
- ۳- خلع سلاح عشا بر جنوب
- ۴- اجرای کامل قانون کار (از جمله پرداخت خسست
حقوق جمعه ها به کارگران)
- ۵-

اعتصاب آرام کارگران در همان روز نخست
خود مورد تشایم و تحسین نیروهای ارتجاعی از جمله
سربازان و " اتحادیه عشا بر " قرار گرفت . کارگران
تهران در برابر تیراندازی وحملات نیروهای مذکور
به مقاومت برخاستند و تا ساعت ۱۲ شب ۲۷ کارگر
رزمنده نفت شهید و ۱۷ نفر زخمی شدند . در این تهاجم
حتی با شکارها و سحادهای کارگری مورد حملسه و
جبار قرار گرفت .

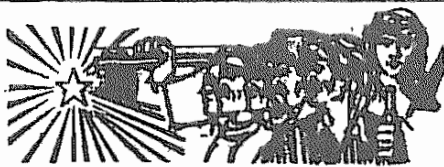
در اعتراض به این کشتار وحشیانه و به نشانه
بشپاسانی از خواستهای برحق نفتگران ، کارگران و
زحمتکشان دیگر شهرهای ایران با برپا شدن میتینگ
و تظاهرات خشم خود را نسبت به امپریالیسم انگلستان
و عمال داخلیش نشان دادند .

دولت دست نشانده قوام السلطنه پس از کشتار
وحشیانه کارگران صنعت نفت ، هیئتی چهار نفره
میرکب از مظفر فیروز و معاون نخست وزیر ، آرمش حکیم
رادمش و دکتر جودت را به خوزستان اعزام داشت .
نفرای خبری رادمش وجودت از طرف حزب توده گسه
در آن زمان در آستانه همکاری با دولت و مشارکت
کا بینه ارتجاعی قوام قرار داشت ، اما مورد تهمینه
این هیئت توانست با قول و قرارهای نظیر رسیدگی
به خواستهای کارگران و محاکمه و مجازات عاملین
کشتار ، اعتصاب کارگران را به شکست بکشاند .
دولت نه تنها مسئولین آن جنایات را از دادگاه
رهبران اعتصاب را دستگیر ، زندانی و تبعید نمود .
به این ترتیب حزب توده سندی دیگر از غیبت
خود به کارگران و زحمتکشان و همدستی با عمال امپری
با لیسم در تاریخ مبارزات طبقه کارگران ایران به
رسانید که میتوان تجربه بزرگی برای کارگران ایران
در شناخت این حزب باشد .

روزی نامه مردم در شماره ۳۹ خود ، آنجا که از
" تجربه ۲۳ تیر سخن میگوید بدون کوچکترین
ای به خیانت خود فرصت طلبانه از کارگران میگذرد
توجه به سابقه و مهارت این حزب در تحریف و قیاس و
دروغپردازی از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که
در شماره ۲۳ تیرا مسائل نیز همچنان که سال قبل
سروش بر روی واقعیت از کارگران بگذرد .
ادامه دارد .

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلقها ومسئله ملی



پیام شیخ عزالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام به خلق های ایران!

خلقهای زره ده ایران!
آزادخواهان سراسر کشور!

اکنون دوام دار جنگ سهمیلی در کردستان می -
گذرد. در این دوام دارسی و ساداران ارجح
ارهیج حمایت و کنشاری در کردستان درج نگردند
سایتها همسرکوب، نمنا را بنای هوائی، کلولند
با ران و سوپ ناران مداوم سپرها و روسا های کردستان
و کنشاری سرخمانه مردم سدفاغ به بیاید درمندان
و خنکری و خوشب رسیده است .

حانات هات خاکمه در سیدج و بغروما به بختری
هولناک است که خلق کرد در طول ۵۰ سال سلطنت و
حانات خاندان نکین پهلوی هرگز با سراسر آید
است .

احرار طرحی شامل ۱۹ بند طرح سرک اریس و
سپاهیان ساران نامتا ورد سر با س جمهوری در مورد
کردستان بدستکی ارسروهای ملی کردستان
اماده است ، افشای این طرح بروسی و وضوح نقشه
های پلید و ساسنها ی صدمردمی هات خاکمه ارجحای
را در مورد کردستان و خلق کردستان منهد ، این طرح
در واقع سدروای حکام وروان و مهاجمن س
کردستان است .

سرای هراغلائی و هراآزادخواه ارایس نکان
دهده و جیدن آورا س که این طرح سرمداران جمهوری
با مطلق اسلامی جدر با ساسهای سلطنت ۵۰ ساله
پهلوی در مورد کردستان هماهنگ و منطبق است ، بدون
سردن همه خلقهای ایران ، بین آران مبارزات حوسن
مشترک و سنجهای درختان و منحدان علیه نظام پیونده
وظا لمانها سنا هی ، اکنون آزادان مدعی و سوه دار
سایت دوران سلطنت علیه خلق کرد ا سراسر
ارجح و میکند .

رژیم شاه می سرگردا را سادمان راسی خلقهای
ایران خلوکگری عمل آورد و خلقهای ایران را یکی
بین ایدگری و خدا گانه سرکوب ساند ، ساسی که
آرمان رما جان بعبت منهد ، هات خاکمه کبوسی
دسفا هین سانس را دسنا ل میکند و در سده ۱۹ و طرح
۱۹ ماده ای مسویند :

۱- سائل کردستان ساند اید سلطنتی
ارمطرا سرافلتیهای قومی دیکری اهمیت خلوه
داده و در : سوس بلورین آرایسای صمدی ملتلی
سما د .

رژیم کبوسی که در مقابل حواس اکبریت عظیم
و تربیت بنا بقا ی خلق کرد در مورد خود مختاری حرثت

ملی صرح آسرادات ، به عوام مغربی مومل مسند
و یگرات ایدان سردمداران محلیس اعلام میکند که
خسینقا و مت خلقی کرد سر کلعه دعوا میکند و گریسه
خودگردانی س خود مختاری حفرتی دارد ، ووا نکپی
هرکن در اسلام خود مختار است!

اکنون ساسات واقعی هات خاکمه در سیدج
سئله ملی و خود مختاری نظری ساند اریس : "سند ۱۱
- جون خود مختاری کردستان ساعا ارمها سدنکینی
و حدت اسلامی و عدم حاکمیت دولت در جمهوری اسلامی
است و لدا این مسئله نا انقلاب اسلامی سراسر ندارد
ساندان افکار ملی گرایانه ارایس هم سانداده
کرت ."

در دوران سادما مورس دولتی و ایران و مردور
- ان کردرا حتی الامتدور به ساطق سرگرد مسوساد
- سندا بدستولده ایدریدکی و ارسناظ آسنا با حوسن
ملی و آزادخواهان خلقی کرد خلوکگری عمل آورد .

طرح رژیم جدید سرمدورد کردستان سانس
سایت را دسنا ل و یگرات میکند ، سند ۱۲ طرح مسویند ،
"کوسی سوه در ارایس ایدر ایدر ارایس کدر حدت
نظا مننده سناظ دیکرا افعال داده سوسا ارایس
سرخیکا در سراسر دور ساند ."

هات خاکمه ارجحای و سرکوبگر حکم در سیدج
و با اسنی راهها را سنا به فرا سمداد و مبرور ساند اعنا
میکرد که مخره اعنادی کردستان در کار سست ، ولی
عدم سس راهها مانع رسدن مواد عدائی و داروئی
و سوحی س کردستان است .

سروهای انقلابی کردستان به مویع این عوام -
تربیتی ها را اعنا کرده و مردم سراسر ایران را در حرمان
مخاصره اعنادی کردستان فرا راداد و اکنون افشای
طرح سرک اریس ، سپاهیان ساران و دسمر با سست
جمهوری در مورد کردستان سانس اعنا ساسی دولت
را سراملا سنا ر دو حقات و صدافت سروهای ملی کرد
را در اظها سانس و عدم ساسکوشی و سحریت و اععبت
را ا طرف هات خاکمه سنان سدهد .
سند ۱۵ ا ر طرح عسنا مسویند :
"قطع مخره ایدر کردستان سسگرما کم ."

هیات خاکمه برای تربیت و سحریت سانس افکار
عمومی ، سروهای انقلابی و سسری راه ساد خنک و
سآرای می سبهم میکند ، ولی مردم آزادخواه ایران سنا
افشای این سنده میان می سسند که این هات خاکمه
ارجحای است که سروریم سسی و دولتی را سنا ز سانس
میدهد و در سند ۱۶ مسویند :

"افراد آکا و مسئول سسکروه ساسی را سادما

اند اریس ."
در باره حشهمه سروهای ارجحای و صدمردمی
حفظ سلطه حوسن را کنش و سرکوب سراسر سده ساند
واس سوهما ظل را ادا سده سدنکنا کس و اعدا سسی
چندا سنا سراسر و سسروان حوسن سسنا سدا سسرو -
های انقلابی ره چسب سگر سده و حسینهای حق طلبانه
را سرکوب و حاموس کند .

هات خاکمه جنگ افرور کبوسی سرحل مسئله ملی
کردستان را در سرکوب حوسن سفا و مت خلق کسردو
سرکوب حوسن حق طلبانه خلق کردرا ایدر اعدا سنا سراسر
کردمی سسد ، و در سند ۱۷ ا ر طرح سرک عسنا مسویند :
"ساعا اعدا مخره ایدر انقلاب ساعا سسوی و حوسن
کردستان سوس ."

و سلاخره هات خاکمه که سروهای ملی و سسری
کردستان را به سحره طلشی سبهم میکند خود در عمل
سرکوب سنا مانع در را سفا هم و صلح و سسکم سوسد -
های وحدت و احوب خلقهای ایران است .

در سند ۱۹ طرح سرک آمده است که :
"دولت سنا سنا و رگمر سدی کردستان را سسوس
سند سنا سوان ارایس طریق حوسن ملتلی را در
داخل سراسر آورد ."

ولی حکام وروان و مبرحسین سنا سدنکه و حدت و
سوسد سنا سراسی خلقهای ایران سسکسنا را سسب
که آسنا سنا سسقه های سلطه و صد خلقی خود را در سوسد
کسدن سوار گمر سدی سدر کردستان و سسدر گریدن و
خدا سنا حقی آسنا را سنا سناظ ایران عملی سار سده .
خلقهای سمدیده ایران ا

حوسن سفا و مت خلق گریه سنا سنا ی فرا سوس
سندی سسرسدج ، سفا و مت دل سنا سسور ، سنا سسور
مربوان و آسنا ا ر خود گسکی و سراسر ساندان اسن
خلق سنا سنا سسنا سناظ ا حقا ی خنکو ملی خلق
گریدن سست ، کردستان سناظ ارایسای ایران ایدر سسد
فرون سناظی ، سناظا سسنا ارایسای دسکرا سسک و
احرا مبه سسنا ساسی ، سناظ حقوق ملی و سسعی
همه خلقهای سمدیده ایران و سلاخره برای اعناد
دگر کبوسهای سنادی در سناظا حتما عی ساعنادی و
ا ر سس سدن مغروس گسکی و سسنا سنا سنا سنا .

مردم آزادخواه ایران!
آسده آزادی و سسرسی در ایران و سسنا ی
سنا سنا - احنا عی سسور سنا سنا سسده سسری که سسب
اکنون در کردستان دز حرمان است ، سناظر خدا سسلی
سنا سسری گره جورده است .

ما ارسنا سنا سنا سسنا سناظی که در ایدر حار
دآر سدا و رهرا ههای ممکن ساری کردستان و خلق
سمدیده کرد سنا سسد ، سسب خلادان را آزادان سنا سنا
و کنشاری و سسرای در کردستان سنا رادار سنا و حکام وروان
این را در سنا سنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا .

هات خاکمه ما سسده همه سسنا سسنا که علیه حوسن و
عدا لبت سسکند ، سنا سسب و ا سسنا و سنا سسنا سسنا
سوسل سسدهد ، در هسین طرح موره سسنا سسنا سسنا
- العمل سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
که سسروهای سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا و
رژیم شاه سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا .

بعبه در صفحه ۱۲

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دهقانان و جنبش انقلابی (۲)

توضیح: اولین قسمت این مقاله را در پیکار شماره ۵۸ مطالعه کرده‌اید. اسک دوامی و آخرین قسمت آن را از نظر شما می‌گذراند.

فاکتیک کمونیستها در برخورد به اقشار دهقانی

کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا به جنبش دهقانی می‌نگرند و از آن دیدگاه است که روستاها را به دهقانان سرغلیه‌رسانند و با لکن و سرما به داری و بسته‌بندی می‌کنند. قسلاً کمونیست که سرخورد کردن به دهقانان معنای آن یک کل یکبارچه کارها را درست کرده و بدین خصوص هر فرد دهقانی، دسوی تمام خلقی است که نه تنها به نفع سوزواری انجام میشود. در شما جنبشهای انقلابی در روستاها، همواره کارگران کشاورزی و دهقانان فخره‌مند که نیروی اساسی مبارزه را تشکیل داده و قاطعیت و حسارت کافی در پیشبرد مبارزه دارند. در کشور ما بویژه پس از قسام بهمن ماه که جنبش دهقانی به سطح رشد و اعتدالی انقلابی قابل توجهی دست یافته است ما شاهد آن هستیم که در تمام مبارزات انقلابی علیه زمینداران و سرمایه - داران ارضی همواره این کارگران کشاورزی و دهقانان را فقیرانند که پیشرو بوده و ما در انقلابی را در دستور قرار داده‌اند. افکار کمونیستی و انقلابی نیز در میان همین نیروها سر بر می‌آورد و توسعه پیدا میکند.

لیکن در سرخوردده دهقانان مرفه وضع به گونه‌ای دیگر است. نیروهای انقلابی مل باستی متناسب با هر چه گیری که دهقانان مرفه در هر دوره و مقطع از مبارزه انقلابی انجام می‌دهند و با سرمایه پرولتاریا و با توجه به منافع دهقانان معسر، تا کتیک مناسبی را در پیش گیرند. مثلاً هنگامیکه دهقانان مرفه در پیشبرد انقلاب شرکت دارند، با ساسی اقدامی در جهت مبارزه با موال و زمین‌هایشان در بین ما اند، بلکه با بستن ما آنان سرخورد و گاه انجام گیرد، (یعنی از مبارزه‌شان بختیاسی کنیم و ما ملات و گرا - یشتات ما زشکاران دهقانان را افشاء و طردنما شیم). در حالیکه دهقانان مرفه دوش بدوش ضد انقلاب علیه سوزو - های انقلابی، کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر فعالیت می‌کنند، نیروهای انقلابی با بستن ما تا کتیک ضربه زدن را متناسب با سطح مبارزه و خواست انقلابی زمینکاران روستا و اقدامات خصم آمیز دهقانان مرفه در پیش گیرند (با این معنی که مثلاً قسمتی از آزمون‌های آنان که بیش از احتیاج معیشتی آنان

دهقانان مرفه و درواری انقلاب فرار گرفته و سطح مبارزاتی کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست بالا بوده و پرولتاریای روستا و دهقانان فقیر خواهان سرگردن به دهقانان مرفه هستند و این خواست آنها شناسایی می‌گردد، بر اساس این مورد جهت پیشبرد مبارزه طبقاتی است و همچنین ما توجه به چشم انداز آن در جهت تعویب عناصر سوسال لیستی انقلاب میباید. بدون شک با طرح این مسئله اولین چیزی که به ذهن جوانان گان حطور می‌گردد، این است که اولاً ما این سطح از مبارزه طبقاتی در روستا (یعنی مبارزه کارگران روستا و دهقانان تهیدست سرزد دهقانان مرفه) در حال حاضر چگونه می‌بینیم، ثانیاً سبب حرکت آن در آینده چگونه است و ثالثاً جنبه کتیکسوزی دهقانان مرفه به طور عموم و سراسری در رابطه با انقلاب و ضد انقلاب چگونه است؟ پاسخ سؤال اول را قبلاً دادیم و گفتیم که جنبش خصوصیتی صورت موارد خاص را معنویان عمومیت داد. پاسخ سؤال دوم این است که در حال حاضر جنبش دهقانی یک جنبش عمومی و سراسری است. سطح این جنبش به طور عمومی از پایین

است و بار من‌ها بی‌راکه به دهقانان فقیر حاره می‌دهد ما دره شوید. هنگامی سرکه دهقانان مرفه در وضعیت حسنی قرار دارند (یعنی، به طریف ضد انقلاب را می‌گردونه علیه انقلاب نوطشه می‌کنند) با بستن کوس کرد که در صورت عدم حمایت از انقلاب حداکثر سرگرد و او را همکاری آنها با ضد انقلاب جلوگیری عمل آید.

- کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا بر جنبش دهقانی می‌نگرند و از این دیدگاه است که از مبارزه دهقانان بر علیه زمینداران و مالکین پشتیبانی میکنند.
- کمونیستها با بستن در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریای روستا را بصورت مستقل سازماندهی کنند و از این طریق اعمال قدرت کارگران کشاورزی هر چه بیشتر اتحادیه‌ها و سوراها را را یکالیزه نمایند.

باست هنوز به نفع کافی ورشده‌ها جنبه نرسیده است به این اعتبار است که دهقانان مرفه علی‌العموم در مقابل زمینکاران روستا قرار دارند. به عبارت دیگر ما روستاها را به طبقه‌های و اعتدالی بیش از پیش میسازیم بوده‌ها و با لکن هر چه سطح جنبش دهقانی بالاتر رود هر چه نقش عمراگه در دست دهی آن تعیین کننده‌تر باشد. دهقانان مرفه بیشتر در مقابل جنبش دهقانی حوا هنداساند، بیشتر با رژیم ضد خلقی حاکم همکساری حوا هند کرد و غیره. در پاریس به مسئله سوم با بستن کتیک که متاسفانه اطلاعات کافی برای پاسخ نداریم که این مسئله را در سطح عموم کشور نشان دهند. لیکن اطلاعات موجود نشان که از لحاظ کلی دهقانان مرفه در موضع بی‌تفاوت و خشن قرار دارند. نحوه شرکت و فعالیت آنها در دهقانی در اتحادیه‌ها نیز معما و اب است. هنگامیکه عنصر آگاه پرولتاریا در مبارزه با روستا وجود داشته باشد در جریان خود خودی مبارزه دهقانان و تشکیل اتحادیه‌ها بدون شک دهقانان مرفه در این اتحادیه‌ها قرار می‌دهند. فرار گرفتن دهقانان مرفه در این اتحادیه‌ها به معنی حالی شدن جنبش اتحادیه‌های از خط انقلابی نمی‌باشد. بعکس هنگامیکه جنبش دهقانی بحال غنچه‌سود کدا شتم نشده و از آن دسالیه روی شود، و کمونیستها در این جنبش نقش فعالی داشته‌اند، رهبری اتحادیه‌ها - های دهقانی در دست کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر حوا هند است (۵). کمونیستها با بستن پوسته در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریای روستا را بصورت مستقل سازماندهی

هم‌گویی در کشور ما در مناطق محلف و سسته به درجه و نحوه رشد می‌تواند تا بر ما به داری با حفظ معانی می‌شود البسی، آرایش طبقاتی و... امکان محلفی از جنبه گیری دهقانان مرفه وجود دارد. با بستن این اشکال معنویات در مناطق محلف دید و تا کتیک حود را که فوقاً شرح دادیم مناسبتاً ما با ساسات و مواضع سروها اخرا نمود. معنویان مثال در کردستان با حاطر نغش‌ها و می‌شود انهای ساس و تهدیدی که علیه دهقانان به طور عموم احاد کرده‌اند، ویژگی‌های ستم‌های طبقاتی مبارزه با دولت ضد خلقی حاکم، دهقانان مرفه در جنگ مقاومت نا حدودی شرکت می‌کنند. ولی در عین حال هنگامیکه دولت علیه جنبش از سارس با سروهای سازشکار وارد می‌شود، دهقانان مرفه ملات سازشکارانه سروردا ده‌خواهان سارس را رژیم حوا هندد. در شمال ایران که با ساسات سرمایه - داری گسرس سسری با فساد مواردی دیده شده است که کارگران کشاورزی با حمایت دهقانان فقیر حواها من مبارزه را می‌دهقانان مرفه می‌کنند. بدون شک این مسئله از اثرات سیاسی قسام بهمن ماه سر می‌باشد. ما شاهد آن‌ها طبعاتی کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر به اعتبار نقش عناصر آگاه در سبب دهی زمینداران و مالکین سرگرد به جنبه مدسرا به داری مبارزه طبقاتی خود آگاه می‌باشند و قاطعانه در جهت نابودی سرمایه‌داری وابسته و نفی سلطه سرمایه به پیش می‌روند. رشد مبارزه طبقاتی، عامل ذهنی و مناسبات سرمایه‌داری موجود از عوامل اساسی این ستمگیری می‌باشد. کمونیستها در شرایطی که

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

اروقتی که در داخل تولید میشود یا از راه های
جها نخریداری میشود تا موقعی که دست مصرف
کننده برسد، ممکن است چندین بار دست بدست
بگردند. کالا در خریداری که توسط واسطه (به مصرف
کننده) خریداری و به واسطه دیگری فروخته میشود،
مقداری برابر سودایی منادله به قیمتش اضافه می
شود. مثالی از زادی اراسی واسطه گری وجود دارد.
مثلاً تا حری کالائی را از خارج می خرد، کالا فصل
از اینکه وارد ایران بشود، چندین بار به افراد
مختلف فروخته میشود. و با حواله فروشی یکی از
متداولترین نوع دست بدست گردیدن و واسطه گری
است. تا حری قسمتی و با همه تولیدکارها را که در
آینده کالای مورد نظر را تولید خواهد نمود، بصورت
حواله ای می خرد. معمولاً بازرگان در اس موقع
تنها مهول کالا را به کارخانه می بردارد. تا حری
کالا صاحب حواله است نه این معنی که فصل را بیکه
کالا تولید شود توسط تا جریبتوی احتکار شده است.
این حواله ممکن است قبل از اینکه حتی موعده
تحویلش برسد توسط چند واسطه خرید و بفروشد برسد.
آخرین فردی که کالا را از کارخانه در دست می برد،
چون ممکن است چندبار سرقیمت واقعی آنرا بپول
بپردازد خسته باشد. تا زه خود کالا بعد از تحویل نیر چند
دست ممکن است بگردد تا بالاخره به عمده فروش و از
آنجا به تکفروش یا خرده فروش و مصرف کننده برسد.
بنا بر این تنها سرمایه دار صاحب کارخانه است که
مستقیماً از استثمار کارگران و زحمتکشان مانده
می برد. بلکه هر بار بیکه کالا دست بدست میشود سودی
عاید می بیند. واسطه های مفت جور میگردند، بخشی از ارزش
اضافی کارگران نصیب آنان می گردد. حالت توحه
است که اکثر این دست بدست شدن کالاها معمولاً بصورت
صوری و توسط تلفن اسامی می پذیرد. نه اس صورت که
نه پولی بین خریدار و فروشنده رد و بدل شده و به حسی
جابجایی می گردد. در چند ماه گذشته تعداد بسیار زیادی
دفا ترکه کارخان خرید و فروش کالا و حواله است
تا سپس شده و از طریق خرید و فروش کالا پولهای کلانی
نیز به جیب زده اند. علاوه بر اینها اکثر شرکت های
ساختمانی قدیم موروثاً داشتن کارخانهای که
دولت در اختیارشان می گذارد، بجای فعالیت تولیدی
به فعالیت بازرگانی مشغول شده اند. اخیراً حتی
مطبوعات بیورژواکی نیز سیستم توزیعی موجود در بازار
را به نوعی از بنادتها کاران مافیا می تشبیه نموده.
اندکاه اعفاء آنرا عنان سر "تجار محترم" (اصلاحی که
آیت الله خمینی بکار می برد) که صاحب سرمایه های
کلان نیز هستند، تشکیل می دهند. نفوذ دربانند این
این افراد دشمن و مشغور کارساده ای هم نیست. این
افراد نه تنها از جمهوری اسلامی شدیداً دفاع میکنند،
بلکه مورد حمایت شدید رژیم جمهوری اسلامی نیز قرار
دارند و یکی از پایه های طبقاتی تحکیم رژیم و تشکیل
می دهند. تجار معمولاً در یک جیره کوچک خالی می
نشینند ولی انبارهای بزرگشان همیشه و مخصوصاً
بمبارزات سپین جمهوری اسلامی پر از کالاهای مورد
احتیاج مردم است، تا در فرصت مناسب آنها را با
قیمت هر چه بیشتری به خریداران بفروشند. نفست
توده های وسیع مردم نسبت به دلالان، واسطه گران،
محتکران و بازرگانان بزرگ بجای زیاد است که حتی
مستولین رژیم جمهوری اسلامی هم گاهی مجبور میشوند
برای جلب توجه مردم زحمتکش ما بدو مغصبت ها شی
نیز بر علیه آنها بکشند ولی در عمل آب از آب تکشان

سختی خود و کماکان اس دون صفتان به سار کردن
کالاهای مورد سار مردم و واسطه گری ها و حواله های
خود برای دست آوردن سود هر چه بیشتری اضافه می
دهند. لازم به توضیح است که سیستم نوری کالا در
حامله ای، ارکل نظام اقتصادی و سیاسی آن حواله
سست، هرگونه سرمایه بر علیه بیکه واسطه گریها و
اسکار، از منبأ بر علیه کل سیستم اجتماعی و سیاسی
که مردم قهرمان ما حکومت می نمایند، حواله داده و
با سودی سیستم سرمایه داری وابسته، سیستم نوری
فعلی سز محفل شده و اراسی حواله در دست.

اثرات گرانی بر روی زندگی زحمتکش

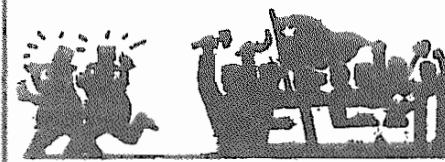
سنگینی بار گرانی در درجه اول مستقیماً بر دوش
کارگران و زحمتکشان منقل میشود. چراچنین است؟
بر اساس سرمایه داران تا حالا ریس منقل کالاها و
مواد اولیه مورد سارشان سلافا مله کارگران کردند
بیشترین منقل کالاها که خود تولید می کنند و
با فروش می رسانند، اس امر را حرا ن کرده آنرا
سدوس مصرف کنندگان کالاها که کسرتشان کارگران
دهقانان و خرده سوزواری ناسن و متوسط است
منقل می کنند. در حالیکه کارگران که دست در ناسن
منگبرند با جابجاری با اسامی گرانی منقلها را منقل
کنند. اس امر اس دست در کارگران به مراتب کمتر از
رشد سرمایه و رفعم است و هر روز که می گذرد آسپا
فوق حریبهشان گاه پیدا می کند. مثلاً در حالیکه به
قیمت کالاها سی ۲۰ تا ۲۰۰ درصد سوزشتر از برده شده
اس دست در کارگران در سار حاری درصد سالا
رفت و اس امرشان می دهد که حواله احتلاب فاجسی در
این زمینه وجود دارد. هرچس در مورد دهقانان که
در مورد ساری ارکالاها محتاج شهرتند (بظنر
سرح، روغن، سگار، پوناک و...) سروض بهین
سرتب است. دهقانان تا حار سذکالاهای خود را به
صورت تک حاسه و اسحاری به دولت، کارخانه داران
سلف حرا ن و... تا قیمت حواله ای که تعیین میشود،
بفروش رسانند (و اس پیش فروش کنند) و در عوض هر روز
کالاهای را که توسط همین سرمایه داران تولید شده
و از دست می دهند یا بجای کزاف خریداری کنند. اسشرات
گرانی بر روی کشاورزی ادامه همان بحران کشاورزی
است که هر روز بیشتر تولید کنندگان خرده دهقانانی را
به ورشکستگی کشانده و سیرتجزیه طبقاتی آنان را
فزون تر میسازد. ضربه خوردن تولید خرده دهقانانی و

سختی با گرانی بر روی زندگی زحمتکشان این
است که اسشرات سلافا سله و مستقیم می گذارد. دست بهین
دلیل است که اسکار خود را در منا رزات زحمتکشان
سببا سرح پیدا می کند. هم اکنون پای در دبدل هر
زحمتکشی که سشنید ممکن سست در کنار در ده های
سشما وجود به مسئله گرانی سنوان مسئله ای بسیار
حساسی و مهم شاره نکند و در همین رابطه با یک گفت که
این از خصوصیات رشد آگاهی طبقاتی توده ها است که
زحمتکشان بطور مستقیم سرمایه داران و امیریا لیسم
را عامل گرانی می دانند و همچنین بخشی از آنها
به بخش دولت سیز سنوان عامل گرانی توجه دارند.
ممکن است زحمتکشان اس سالا سرمایه داران محتکران
بصورت معرود حواله از سیستم سرمایه داری وابسته
سنوان عامل گرانی بجا آس و سرنسبکن آگاهی
آسان هنگامی که مطلوب حواله شده که این احزاب
سعاوب را (که سلا سشردسم) در یک کل واحد نسبی
نظام احصا می - اسطراحی حاکم سکر کشور ما و دولت
جمهوری اسلامی حایظ آنرا بصورت تفکیک ناپذیر درک
کنند. ما هب و حواله اس حکومت در همین است که هر
روز هر چه سسشنری را برای زحمتکشان سببا و در و این
ما هب هر حکومتی است که حواله سرمایه داری وابسته
را با ساری کسدر که بعرض محال هم "موفق" به این
بار ساری شوند حواله دست حتی وضعیت اقتصادی
سالهای ۵۵ - ۵۴ را که موم رژیم شاه از نظر اقتصادی
سلا هر کمربندی سسودا زگردا سس "تولید و تورم را
به حدان سالها سرمایه اند. لیکن دیر نیست آن زمانیکه
قبل از تشبیت رژیم ارتجاعی حاکم و "بازسازی سرمایه
- داری وابسته، این نظام مکننده و وابسته بدست
توده های دلاور رهبری طبقه کارگران بوده و به
گورستان تا تریخ سپرده شود

جمع آوری بساط دستفروشان در ایران شهر

بندبنا ل جمع آوری بساط دستفروشان ایران شهر
که توسط ما موران شهرداری انجام گرفت، زحمتکشان
دستفروش بعنوان اعتراض با این عمل فدا نمانسی
شهرداری در تاریخ ۵۹/۴/۳ در محل فرمانداری گرد
آمده و متحصن میشوند.

دستفروشان که با جمع آوری بساط دستفروشی -
شان تنها وسیله امرار معاش خود و خانواده هایشان را
از دست داده اند از فرمانداری می خواهند با محسلی
برای گذاشتن بساط دستفروشی شان تعیین بکنند و با
کاری به آنها بدهند از آن طریق شکم زن و بچه شان را
سیرنمایند. فرمانداری ایران شهر در مقابل این خواست
بحق زحمتکشان ایران شهر با کمک کارمندان فرمانداری



بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه

در پاسخ به امر لزوم تأمین وحدت جنبش کمونیستی ما با دوبرخورد و پروتستیم:

اول - برخوردی که در پاسخ به این مسئله مبرم به صورت فرمالیستی عمل میکند، برخوردی که نمیخواهد عملاً سختی پیچیدن راه وحدت را که از گور گرم مبارزه آید شلواریک میگذرد، تحمل کند، بلکه دل به یک وحدت صوری و تجمع مکانیکی نیروها بسته است. در گذشته فضا رهمین جریان بود که "کنفرانس وحدت" را بوجود آورد و عملاً جریانهای موسوم به خط سراسر را به خریداری کفایت و مدتی به خود متشوقل داشت. نظراتی که در این کنفرانس ارائه میشد نظیر "ائتلاف"، "همکاری" - مبارزه آید شلواریک و "سازمان واحد" همه و همه ترفاتی بودند که نظارت بر حل روزمره مشکلات داشتند و از این لحاظ نه فقط کمکی به امر وحدت نمیکردند بلکه خود آلت ترسانه و ترویج نشین مستگیری اصولی بسوی وحدت جنبش کمونیستی نیز میگردد.

دوم - نیروهای که در مجموع سمت بسوی درستی داشتند:

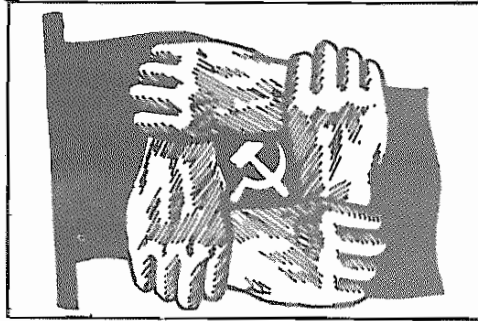
برخی از جریانهای خط سراسر با خود ما در درون این کنفرانس هر چند از فتنه بددستال جریانی خود بخودی یا بدیده و نیز برخی ائتفاطها در شرایط برکنار نبودیم ولی جهت حرکتشان در توضیح مواضع ما درست و مستگیری بسوی ارائه یک تئوری انقلابی و اصولی در امر وحدت بود و مضمون مبارزه آید شلواریک ما در کنفرانس در واقع بنیادگرایی واقعیت می باشد. به همین دلیل ما توانستیم ضمن مرز بندی با "ائتلاف" و "همکاری" - مبارزه آید شلواریک بلافاصله با تیز پیشنهادهای نادرست خود یعنی "سازمان واحد" نیز مرز بندی کرده و اعلام نامه شیم که هیچ شکل تشکیلاتی دیگر برای ما پس از اعلام نامه کارکنان سراسر با هم دو خط مشخص فوق برآورد رفتند. نیروهای که در درون کنفرانس نیز بر ترفاتی انحرافی و اگونیومبستی پیا میفرستند، امروز علیرغم اختلافات با چندین کم اهمیت در زمینه سیاسی - آید شلواریک دوره مدیگر جمع شده و ترفاتی "ائتلاف" و "همکاری" - مبارزه آید شلواریک و ... در تحت عناوین دیگری به مرحله اجرا آورده اند.

اما سازمان ما که بر چه مدارها مبارزه علیه ایمن گروا پسات نامنا صحیح در کنفرانس بود پس از تعطیل کنفرانس نیز علیرغم تکیه بر این اصل که هیچ تشکیلاتی تشکیلاتی دیگر نباید بیستی آلت ترسانه ترویج گردد، همچنانکه بطور طبیعی از وحدت با ما فیل و گروههایی که بسا سازمان نزدیکی سیاسی - آید شلواریک داشته اند، استقبال نموده است. و امروز خوشحالیم که اعلام نامه ما در حرکت چند ماهه اخیر و بدستال کوششهای ما مقابله با آنکه از جانب ما و گروههای زیرین صورت گرفته است، نتوانستند ما را از این رفقا به وحدت رسیده و این گروهها در درون سازمان ادغام کردند (که اسمی این گروهها به شرح زیر است):

- ۱- اکثریت پاران حیدر عمو و غلی
- ۲- گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر
- ۳- بخشی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"



ما بین وحدت با ما میباید در تحقق وحدت جنبش کمونیستی از سیاسی میگذریم چرا که معتقدیم ضرورتیهای جنبشی از یک طرف و مبارزه آید شلواریک (در راه بطنه بسا



وحدت از طرف دیگر باعث گردیده که کم کم روحیه محفلی و گروهگرائی در درون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی با رفتن خود را از دست داده و گروهها در بی وحدت با نیروهای دیگر برآیند. این امر بسودی خود امر مثبتی است، اما اساساً تعادل و حرکت وحدت طلبانه نمیتواند متقلاً بلا گرایش و تمایل بسوی صحیحی را بوجود بیاورد که سران امر وحدت آید شلواریک تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد. چنین تمایلی و گراشی که مسلماً اثرات را بسا در از آمد

کوشش رفقا رفع و برخی دیگر که ریشه در ضعف جنبش کمونیستی بطور عمده و گروهها بطور خاص داشت، همچنان در مقابل گروهها قی مانده.

اما ما اعتدای جنبش خلقیهای ایران و حضور بیش از پیش طبقه کارگر در صف مبارزه و با لطمه و ظرفیته سنگینی که بر دوش کمونیستها قرار میگیرد از یکسو و کمبود تجربه و شناخت گروه ما، نبود یک سرنا ما مصلی، بخصوص رشد لیبرالسم تشکیلاتی، و ناتوانی رهبری از هدایت گروه و ... از سوی دیگر موجب شد که گروه بسا از ایمن نتوانند به فعالیت مستقل خود ادامه داده و وحدت آید شلواریک که ما من حفظ و گسترش هر تشکیلات انقلابیست بسا از بسا در گروه متزلزل گردد.

در همین رابطه طس فوق العاده مرکزیت تشکیلی کرد بسوا جمع سندی از مشکلات و سران تشکیلاتی خاص گروهها بین نتیجه حاصل شده گذشته از ضعفهای خاص گروه، اصولاً دوره فعالیت گروهی (محلی گراشی) سرانجام خود را میگذرانند و گروههایی که ما دفا نسه حواسنا مبارزه هستند بسا بیست درصد وحدت با یکی از سازمانهای سراسری که ما آن از جهات مختلف بر دیگری دارند برآید.

نیروهایی که در درون کنفرانس نیز بر ترفاتی انحرافی و اگونیومبستی پای فشردند، امروز علیرغم اختلافات نه چندان کم اهمیت در زمینه سیاسی - آید شلواریک دور هم جمع شده و ترفاتی "ائتلاف" و همکاری مبارزه آید شلواریک و ... در تحت عناوین دیگری به مرحله اجرا در آورده اند.

روحیه محفلی و گروهگراشی در درون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی با رفتن خود را از دست داده و گروهها در بی وحدت با نیروهای دیگر برآیند. این امر بخودی خود امر مثبتی است، اما این تمایل و حرکت وحدت طلبانه، نمیتواند متقلاً بلا گرایش و تمایل ناصحیحی را بوجود بیاورد که بر اثر آن امر وحدت آید شلواریک، تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد.

بدستال این تصمیم اکثریت در این نشست سازمان بیجا در راه آزادی طبقه کارگر "راستگاران" آلت ترسانه ای اولیه که میبایست آنرا تقویت نمود، از سیاسی کرده و بعد از انتشار آخرین اعلامیه گروه که در راه بطنه بسا انتخابات "مجلس شورای ملی" بود، در ارتباط با این سازمان قرار گرفت و پس از طی یک مبارزه آید شلواریک - لوزیک و بدستال تطبیق مواضع سیاسی - آید شلواریک - لوزیک به وحدت با یکدیگر رسیدیم. لازم به یادآوری است که در این پروسه، مورد تسلط رهبری گروه که در چهار لیبرالسم شده بود از مداخله مسئولیت تصفیه گردید.

اگر چه جمع بندی فعالیت گروهی ما نمیتواند یکی از گروههای کمونیستی و بیویژه یک نیروی محلی که تا حدودی در ایران شناخته شده است ضروری است، ولی از آنجا که عدم حضور آشکارا گروه ما در چند ماهه اخیر، پرشهای سیاسی را برای جریانها تشکیلاتی کمونیستی بوجود آورده بود و فعلاً به اشتراک این بیانیته پیوسته میکنیم، با شدت در فرصتی دیگر جمعیتدبهای لازم و توجیه را این مدت را بطریقی دیگر در اختیار جنبش کمونیستی قرار دهیم.

پیش بسوی وحدت ما رکنیست - لیبرالیستها در جهست ایجا در حزب طبقه کارگر بنا بود با دنگا م سرما به داری و بسته به ما مبریا لیم برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق اکثریت "گروه پاران حیدر عمو و غلی"

مختصری از تاریخچه و فعالیت "گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر"

تشکل ما "گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر" یکی از

نخستین رصفحه ۱۴

اطلاعیه ...

مداخل متعدد بود که سدا رنیا محاسبه ۲۲
بهمن با به عرض محسن انقلابی ایران گذاشت. محصل
ما بدلیل بداشتن اسما بدشولوزیک، سانس و
امکانات مبارزاتی و... حفاظت و اموالیت لازم را
برای یک حرکت گروهی نداشت با وجود این به حرکت
مستقل خود ادا میداد. انتشار نشریه "صدای کارگر"
با همکاری "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر" و
شرکت مادر "کنفرانس وحدت" صورت ناظر اگر چه
حرکت مستقل و گروهی ما را طولانیتر ساخت، ولی
تجارب ارزنده‌ای برای ما مهیا داشت. بویژه
شرکتان در بحثهای کنفرانس ما را هر چه بیشتر به
اهمیت حرکت نقشه مندمبتنی سرشی و برنا مه (جیزی
که ما فاقد آن بودیم) آگاه ساخت. در ضمن مشکلات ناشی
از فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و انتشار یک نشریه که
از توان و قابلیت‌های ما بسی بیشتر بود ضرورت برخورد
به حرکت محفل را هر چه بیشتر تسریع نمود.

بدین ترتیب تشکل ما بعد از هز چند ماه حرکت
مستقل و غیر اصولی به انحراف اساسی خود که ترکیبی
از پراگماتیسم و لیبرالیسم بود پی برده و ما آن به
مبارزه برخاست. به این ترتیب با ارزیابی از وضعیت
سیاسی جامعه و جنبش م. ل و بانفی حرکت مستقل، امر
پیوستن به گروه نزدیک به خود را بر اساس سنگسری
پرولتری دردستور کار خود قرار دادیم. بر این اساس
بود که پس از گذراندن یک برنا مه سیاسی - شوریک و
مبارزه بدشولوزیک درونی و بدینا ل رسیدن به وحدت
ایدئولوژیک - سیاسی، مواضع و مئی "سازمان بیکار
در راه آزادی طبقه کارگر" را بعنوان تشکلی که دارای
هسته غالب پرولتری است پذیرفتیم و پیوستن
به آن را طی نمودیم. این وحدت از آنجا که حول مئی
و مواضع مارکسیستی - لنینیستی صورت میگردد مئی
است هر چند کوچک دریا سخ به حل مسئله پراکنده گئی
نیروهای م. ل و تقویت عنصر وحدت طلبی و مواضع
اصولی در درون جنبش کمونیستی.

بدین لحاظ ما ضمن اعلام این وحدت امیدواریم
که دیگر نیروهای جنبش کمونیستی نیز ضمن دا من زدن
به مبارزه بدشولوزیک اصولی سمت و سوی وحدت -
طلبانه‌ای بر اساس پلاتفرم پرولتری اتخاذ نمایند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران
گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر

"اطلاعیه وحدت"
بخش انشعابی از

"اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"

در او خربا شیز ۵۸ در پی دومین نشست عمومی
اعضای گروه "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"
بخشی از اعضای این گروه، انشعاب نمودند. ایمن
انشعاب بر اساس انتقاد به مواضع روشنفکری و جدا
از توده‌ای بود که علیرغم مبارزه بدشولوزیک چند
ماهه در گروه، از طرف اکثریت اعضای گروه تشبیت شده
بود. صورت پذیرفت. انشعاب گراشات روشنفکری در
مواضع سیاسی اتخاذ شده در گروه و همچنین گراشات
لیبرالیستی و پاسیفیستی در گروه و سکتاریسم در
تشکیلات موجب تسریع امر انشعاب و تجزیه سریعتر
گروه گردید. وجود گراشات نا سالم تشکیلاتی فوق -
الذکر به توده‌های متشکل حول گروه و هواداران امکان

آگاه‌های کامل از بعضی نظرات حزبنا ب مختلف درون
گروه - که ما آن در مان وحدت و مبارزه درونی اشان در
درون گروهنا عت وجود انشعابها طی در مواضع و
عملکردهای گروه شده بود - را نداده بود. اعلام جدا شد -
سختی ارا عبا نه توده‌های سبنا ب هواداران ما داد
تا با بررسی دودیدگا و مختلف بر اساس گراشات خود
سنگسری نمایند. بدین ترتیب سندرچ سبنا اربنا ه
در مدار رفقای متشکل حول گروه که شامل کلسه هسه -
های کارگری، عنا صریک و سعال در کارخانجات و
برخی ارا عبا سسه ه گروه شدند. و همچنان
"آرمان زحمتکشان" که بعنوان هسته هواداران گروه
فعالیت میکرد، اعلام جدا شد نمودند. هسه‌های کارگری
برخی از رفقای وابسته و اعما منشعب از گروه -
اساس مواضع مورد قبول متشکل شده و شروع به برخورد
با سایر تشکیلاتی م. ل و در راه آزادی "سازمان بیکار
در راه آزادی طبقه کارگر" و "سازمان انقلابی زحمتکشان
کردستان" - کومله - نمودند. تا بر اساس بدینکشی
سختی مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، سبنا سبنا
پرا تیک با اس مواضع و وجود دیدگا هها ی صحیح تشکیلاتی
تی هر یک از آنها قدامه اذ نام تشکیلاتی با تراسنا مند.

خطوط اساسی مواضع مورد قبول اس رفقا عبارت بود از:
۱- در دروس و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
بودن شوروی کنونی و وابسته دانستن حزب خاشن توده
۲- رد نشوری رویزیونیستی و ارتجاعی سبنا سبنا
۳- طرد مئی چریکی و تروسیسم و اعتقاد به کارسای
- تشکیلاتی بین طبقه کارگر

۴- اعتقاد به ملی و منرفی نبودن کل سوزواری ایران.
۵- مدخلی تمدن خاکست کنونی و اعتقاد به آنکه
پرولتاریا و متحدین آن باید پس ارسنگونی سوزواری
و متحدین وی جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار نمایند.
۶- مرحله انقلاب ایران دمکراتیک و جدا میرا لیبستی
بوده و نیروهای شرکت کننده در انقلاب طبقه کارگر، کل
دهقانان و اقاتا خرده بورژوازی هستند. (در مورد
خرده سوزواری مرفه سنتی موضع مشخصی وجود نداشت.)
۷- مرز بندی سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
مرحله سوزواری کلا مرتجع و مدخلی بوده ولی
خرده سوزواری مرفه سنتی ضد انقلابی است.

۸- اعتقاد به عمده بودن وظایف تبلیغی کمونیستها در
جهت برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه
کارگر و ضرورت مبارزه ایدئولوژیک برابین مبتدا رجعت
آماده سازی شرایط عینی و ذهنی ایجاد حزب طبقه کارگر
در پیرویه برخورد به مواضع سازمان کومله رفقا
به عدم مرز بندی قاطع و روشن این سازمان با رویز -
یونیسم مدرن و برخی دیدگاههای اگونیومیستی رفقا
انتقاد داشتند. مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود را
به سازمان بیکار نزدیکتر میدیدند. از اوائل زمستان
۵۸ ارتباط فعالی با سازمان مزبور برقرار گردید و در
طی پیرویه‌ای به مدت سه ماهه بررسی دقیق مواضع و
دیدگاههای بیکار در زمینه‌های مختلف برداشتند.
از آنجا که جزو ایدی جزئی که قابل برخورد در چارچوب
یک تشکیلات بود، اختلاف نظر دیگری نبود، از اوائل
بهمن ۵۹ بطور کامل به سازمان بیکار در راه آزادی طبقه
کارگر پیوستیم. پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر
بخش انشعابی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"



توضیح در مورد شمر:

در بیکار ۶۱ همرا با طرحی که بیا در رفقای شهید
مهدی علوی شوشتری، دکتر اسما عیال نریسمی و
منوچهر جعفری چاپ شده، قطعه شمیری نیز از آقای علی
میرفطرس درج شده است. متاسفانه به علت کم توجهی

نخستین رصفحه ۲

کردن موج اعتراضات علیه ما را بهای بارباری شده
سرکوب و سوز و آتش که عمدا سبنا سبنا سبنا سبنا صدر
است. مواضع حزب جمهوری اسلامی را در حمله گرفته
- اندک عا مل تا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

کودنا را فرا هم میکنند.
سوطه کودنا ی احزاب و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
آمدها سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سختیده و "منشأ وحدت" دو جناح آن را حدها را سخته
است. اما در عین حال سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
اس سوطه و طرح ارتجاعی را که در آستانه احزاب سبنا سبنا
انجام مید، سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
خوش و عوا مبخشدن به سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
حسن خلق و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
آنها روشنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
اول نکست سوطه کودنا انکار گشت. سوطه کودنا ی
احزاب سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
حسن خلقها ی ایران و دریا سخ به سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
حسبه سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سوطه‌ها طی از اسن سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
ارتجاعی جمهوری اسلامی فرا هم آورده است. خوا هرد
و تلاش کرده و جدا هدر کونا ر میبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
خود را فرا هم زد.

کمونیستها در عین آنکه با پیوندها را سبنا سبنا سبنا
اهداف و سوطه‌های خاشنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
آمریکا، هسبا ر و آگا ه سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
کننده هدف اساسی اس سوطه حسی اگر هدف نا کسکی و
موری آن سرگویی رژیم جمهوری اسلامی باشد، سرگویی
انقلاب، بشود در کردن جسبه سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
عارتگرا نه‌ای است که رژیم کم کون کومله سبنا سبنا
و دفاع از آن راسته است. سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
مبارزه انقلابی در پیشا پیش توده‌ها، سبنا سبنا سبنا سبنا
کردن این سوطه‌های خاشنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
آمریکا آن فرا موش نمیکند که هدف اصلی مبارزه
آنها در شرایط حاضر مبارزه را رژیم است که در اتحاد
اساسی ما میرا لیبست آمریکا، سرکوب حسن خلق و
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

بردا ر کمونیستها با پیدا افشای هرد و سبنا سبنا سبنا
چه میرا لیبست آمریکا و محافل فوق ارتجاعی وابسته
به آن و چه رژیم مدخلی حاکم، طبقه کارگر و توده‌ها را
نسبت به مواضع مستقل خود آگاه سازند و با عزم ار
موضع مبارزه طبقاتی آنان را به صحنه مبارزه ملی و
طبقاتی بر علیه امپریالیسم و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
با رژیم سیاسی کنونی، بکشانند. هرگونه غفلت از ایسی
امر هرگونه کاهش در جهت تضعیف و سبنا سبنا سبنا سبنا
تحت سیاستها و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
و جدا میرا لیبست قلمدا در کردن هیئت حاکمه، از آن دست
که رویزیونیستها و پورتونیستها در آستین خود دارند،
قربانی کردن منافع انقلاب و توده‌ها و هم‌آوائی با
رژیم کنونی و تبدیل سوطه‌های امپریالیسم به بازی
جهت تحکیم قدرت سیاسی رژیم ارتجاعی کنونی است.
کمونیستها با پیدا این سوطه‌ها در جهت تقویت مبارزه
طبقاتی و ملی طبقه کارگر و توده‌ها و متشکل کردن
صفوف مستقل آنها در جریان این مبارزه سودجویند.

در رصفحه بندی، ترتیب درج شمربگونه‌های انجا گرفته
که گویا شمربا د شده به مناسبت اعدا مرفقای شهید سروده
شده در صورتیکه قطعه مذکور از کتاب "آوازه‌های شهیدی"
سروده همین شاعر انتخاب شده است.

تصحیح
۵۸

